

أئینه تاریخ

تألیف : محمود طلوعی

نشر علم

۱۳۸۴

www.ketab.ir

طلوعی، محمود، ۱۳۰۹-
آئینه تاریخ / تألیف محمود طلوعی - تهران : علم، ۱۳۸۳.
۳۴۰ ص. : م. ص.
ISBN 964 - 405 - 39 - 7
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
صفحه عنوان به انگلیسی: Mahmoud Tolout: History in Focus.
۱. تاریخ جهان. ۲. عکسها - مجموعه ها. الف. عنوان.
۹۰۹ D ۲۰/ما ۹
کتابخانه ملی ایران
۸۳-۲۸۲۷۱ م

● آئینه تاریخ

تألیف محمود طلوعی
طراح گرافیک: حمیدرضا و صاف
لیتوگرافی و چاپ: سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
تیراژ: ۳۳۰۰
نشر علم / ۱۳۸۴
شابک: ۹۶۴-۴۰۵-۳۹-۷

مقدمه

کتابی که در پیش روی خود دارید گزیده‌ای از بهترین عکس‌های هنری و خبری جهان در طول بیش از یکصد و پنجاه سال اختراع عکاسی است.

تا نیمه قرن نوزدهم، برای ثبت وقایع تاریخی و چهره‌های رهبران و شخصیت‌های تاریخ‌ساز جهان وسیله‌ای جز پرده‌های نقاشی، که با تمام هنر نقاش نمی‌تواند صد در صد منطبق با واقعیت باشد، وجود نداشت. گواه عدم انطباق این پرده‌ها با واقعیت، تصاویر متفاوتی است که از وقایع تاریخی یا چهره شخصیت‌های تاریخ‌ساز جهانی در اختیار داریم. در این مورد فقط اشاره به وقایع مربوط به انقلاب کبیر فرانسه و جنگ‌های ناپلئون یا پرده‌های نقاشی از چهره ناپلئون بناپارت، که هیچ یک با دیگری منطبق نیست، کفایت می‌کند.

پیشگامان هنر عکاسی در جهان دو نفر فرانسوی به نام‌های «ژوزف نیسفور نیپس»^۱ و «لوئی ژاک مانده داگر»^۲ هستند، نیپس از سال‌های دهه ۱۸۲۰ برای یافتن وسیله‌ای که بتوان مناظر طبیعی و چهره‌های اشخاص را ثبت و ضبط کرد تلاش می‌کرد. نیپس تمام سرمایه خود را در راه این تلاش از دست داد و در سال ۱۸۲۹ برای ادامه کار خود با «داگر» که او هم در این راه گام‌هایی برداشته بود شریک شد. نیپس در سال ۱۸۳۳ پیش از این که ثمره تلاش خود را به چشم ببیند درگذشت و داگر این کار را تا سال ۱۸۳۹ که موفق به چاپ و ظهور اولین اثر عکاسی در جهان شد ادامه داد.

در تاریخ عکاسی علاوه بر «لوئی ژاک مانده داگر» از «ویلیام هنری فوکس تالبوت»^۳ انگلیسی نیز به عنوان یکی از دو مخترع عکاسی نام برده می‌شود. در واقع تالبوت انگلیسی هم در همان سال ۱۸۳۹ و چند ماه پس از داگر موفق به چاپ

و ظهور نخستین آثار عکاسی خود شد، ولی به هر حال داگر فرانسوی با فاصله کمی قبل از او اختراع خود را عرضه کرده بود.

عکاسی تا نیمه قرن نوزدهم به صورت عام قابل استفاده نبود و تا سال ۱۸۵۰ از وقایع مهم نیمه قرن مانند انقلابات سال ۱۸۴۸ اثری در تاریخ عکاسی دیده نمی‌شود. اولین واقعه مهم تاریخی که عکس‌هایی از آن در دسترس هست جنگ‌های کریمه در سال‌های ۱۸۵۴ و ۱۸۵۵ است که «راجر فنتون»^۴ انگلیسی از آن عکس‌برداری کرده است. راجر فنتون که بیش از سیصد عکس از جنگ‌های کریمه برداشته، اولین عکاس خبری جهان به شمار می‌آید، که پس از بازگشت به انگلستان به حضور ملکه ویکتوریا بار یافت و تا ده سال بعد از جنگ‌های کریمه نیز به کار عکاسی ادامه داد. گفتنی است که کار اصلی فنتون وکالت دادگستری بود و کار عکاسی را به صورت تفریحی دنبال می‌کرد. اولین عکاس حرفه‌ای جهان که یک تیم عکاسی تربیت کرد و کار عکاسی را به صورت تجارتي درآورد «ماتیو برادی»^۵ آمریکایی بود. برادی و گروه عکاسان او با تصویربرداری از صحنه‌های جنگ داخلی آمریکا در سال‌های دهه ۱۸۶۰ شهرت یافتند، ولی همکاران برادی که از صحنه‌های جنگ داخلی آمریکا عکسبرداری می‌کردند، بعد از پایان جنگ از او جدا شدند و بعضی از آنها مانند «آلکساندر گاردنر»^۶ و «جرج بارنارد»^۷ از او پیشی گرفتند. از عکاسان معروف دیگر این دوره باید از «آلکساندر هسلر»^۸ نام برد که عکاس مورد علاقه «آبراهام لینکلن»^۹ شانزدهمین رئیس جمهوری آمریکا بود و لینکلن موفقیت خود را در انتخابات سال ۱۸۶۰ ریاست جمهوری آمریکا تا حد زیادی مدیون پوسترهای تبلیغاتی او می‌دانست.

1. Joseph Nicéphore Niepce 2. Louis Jacques Mande da Guerre
3. William Henry Fox Talbot 4. Roger Fenton 5. Mathew Brady
6. Alexander Gardner 7. George Barnard 8. Alexander Hester 9. Abraham Lincoln



«راجر فنتون» اولین عکاس خبری جهان که جنگهای کریمه را در نیمه قرن نوزدهم به تصویر کشید.



«ماتیو برادی» اولین عکاس حرفه‌ای جهان که پرتره معروف لینکلن و صحنه‌های تکان‌دهنده از جنگهای داخلی آمریکا از کارهای اوست.

با قوانینی که درباره آزادی مطبوعات و رفع محدودیت در اطلاع‌رسانی در اروپا و آمریکا وضع شد، امکان سانسور عکس در کشورهای پیشرفته از میان رفت، ولی در کشورهایی که با رژیمهای خودکامه و استبدادی اداره می‌شوند سانسور عکس و خبر تا آغاز قرن بیست و یکم نیز ادامه دارد و مطبوعات گاهی به خاطر چاپ یک عکس توقیف و مدیران آنها، حتی عکاسی که یک عکس غیرمجاز را در اختیار مطبوعات گذاشته است به زندان می‌افتند.

در نیمه دوم قرن بیستم که چاپ عکس با کیفیت مطلوب در مطبوعات رواج یافت و مجلات مصور خبری مانند «لایف»^۱ در آمریکا «ایلوستریتد لندن نیوز»^۲ در انگلستان پا به عرصه وجود نهادند، گاه چاپ یک عکس بیش از هر خبر و تفسیری در افکار عمومی اثر می‌گذاشت و احساسات عمومی را در سطح جهانی علیه یک حکومت برمی‌انگیخت. انتشار عکس‌هایی از فجایعی که در دوران حکومت «چیان کای شک» در چین جریان داشت افکار عمومی مردم آمریکا را به شدت علیه این رژیم تحریک کرد و در کاهش حمایت آمریکا از این رژیم و تسریع پیروزی کمونیستها در این کشور نقش مؤثری ایفا نمود، همچنان که انتشار عکس‌هایی از فجایع رژیم کمونیستی در چین، چه در دوران معروف به «انقلاب فرهنگی» و چه بعد از آن دنیا را تکان داد و آخرین نمونه آن عکس معروف ایستادن یک نفر در برابر پیشروی تانکها در میدان «تین آن من» پکن است که به عنوان یکی از شاهکارهای عکاسی خبری در جهان شناخته شده است.

در جریان جنگ ویتنام نیز انتشار عکسها و فیلمهای خبری درباره جریان این جنگ و فجایعی که سربازان آمریکائی مرتکب

در نیمه دوم قرن نوزدهم هنر عکاسی در سه کشور اروپائی فرانسه و انگلستان و آلمان به پیشرفت‌های تازه‌ای نائل آمد. در فرانسه ناپلئون سوم که بیش از بیست سال (از ۱۸۵۰ تا ۱۸۷۱) نخست به‌عنوان رئیس جمهور و سپس به‌عنوان امپراتور، بر فرانسه فرمانروائی کرد علاقه زیادی به عکاسی داشت و به پیشرفت این هنر و ابداع شیوه‌های تازه در عکاسی کمک فراوانی کرد. در انگلستان نیز ملکه ویکتوریا که دوران سلطنت ۶۴ساله او با اختراع عکاسی آغاز شد در تمام مدت سلطنتش با عکاسان هنرمند انگلیسی محشور بود و تمام وقایع مهم دوران سلطنت او به وسیله دهها عکاس انگلیسی به تصویر کشیده شده است.

تا پنجاه سال پس از اختراع عکاسی، امکانات چاپ عکس در مطبوعات وجود نداشت و عصر «فتو ژورنالیسم» با اختراع گراورسازی در دهه آخر قرن نوزدهم آغاز می‌شود. با وجود این کیفیت چاپ عکس در مطبوعات تا اواخر دهه اول قرن بیستم چندان مطلوب نبود و تصاویری نظیر زلزله ویرانگر سانفرانسیسکو در مطبوعات آمریکا و اروپا نمونه‌ای از این عکس‌هاست که از کیفیت خوبی برخوردار نیست.

در جریان جنگ اول جهانی که عکاسی پیشرفت زیادی کرده و امکان چاپ عکس با کیفیت خوب در مطبوعات فراهم شده بود، عکاسی خبری با مشکل تازه‌ای روبرو شد و آن سانسور عکس‌های مربوط به صحنه‌های فجیع جنگ از طرف دولتها و مقامات نظامی بود، زیرا مقامات نظامی چنین استدلال می‌کردند که چاپ این عکسها در میان مردم تأثیر سوئی برجای می‌گذارد و موجب تضعیف روحیه سربازان می‌شود. با وجود این تعدادی از این عکسها که چاپ آن در زمان جنگ امکان‌پذیر نبود پس از پایان جنگ در آلبوم‌های عکس مربوط به جنگ اول جهانی انتشار یافت.



«جان کری» کاندیدای حزب دمکرات آمریکا برای مقام ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۴ از قهرمانان جنگ ویتنام بود که پس از بازگشت از ویتنام رهبری تظاهرات بر ضد این جنگ را به دست گرفت.

عوامل تحریک و تهییج افکار عمومی علیه این جنگ بود. مرحله اول جنگ‌های ویتنام بین فرانسویان و استقلال‌طلبان این کشور از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۴ قریب هشت سال به طول انجامید و به شکست و عقب‌نشینی نیروهای فرانسه از ویتنام منتهی شد. در پایان نخستین مرحله جنگ ویتنام، این کشور به دو قسمت ویتنام شمالی و جنوبی تقسیم گردید و قرارداد متارکه جنگ مبتنی بر این اصل بود که در سال ۱۹۵۶ با انجام انتخابات عمومی در ویتنام موجبات وحدت این کشور فراهم گردد، ولی دولت ویتنام جنوبی از بیم پیروزی کمونیست‌ها در این انتخابات از انجام آن سر باز زد و در نتیجه، مرحله دوم جنگ ویتنام در سال ۱۹۶۰ نخست با عملیات چریکی در ویتنام جنوبی و سپس عملیات نظامی مستقیم ویتنام شمالی علیه دولت ویتنام جنوبی آغاز گردید. در اوایل دهه ۱۹۶۰ دولت ویتنام جنوبی برای مبارزه با کمونیست‌ها از آمریکا استمداد کرد و آمریکایی‌ها نیز در طول بیش از ده سال با اعزام قریب یک میلیون و پانصد هزار سرباز و فروریختن بیش از دو میلیون بمب بر سر ویتنامی‌ها (بیش از بمب‌هائی که در جنگ دوم جهانی علیه آلمان به کار برده شد) از عهده کمونیست‌ها برنیامدند و آمریکا سرانجام با بیش از پنجاه هزار کشته در این جنگ در سال ۱۹۷۵ آخرین سربازان خود را از ویتنام خارج کرد و این کشور را به کمونیست‌ها واگذاشت.

همان‌طور که اشاره شد صدها خبرنگار و فیلمبردار و عکاس با حضور در صحنه‌های مختلف جنگ ویتنام و انتشار گزارشات و عکسها و فیلمهای مربوط به این جنگ افکار عمومی را چه در فرانسه و چه در آمریکا علیه این جنگ شوراندند و دولت آمریکا در زمان ریاست جمهوری نیکسون به‌اولین شکست

آن می‌شدند افکار عمومی مردم آمریکا را علیه این جنگ شوراند، تا جایی که یکی از افسران آمریکائی که به واسطه ابراز شجاعت در این جنگ به دریافت نشان‌های افتخار متعددی نائل شده و در بازگشت از ماموریت خود در ویتنام به عنوان یک قهرمان مورد استقبال قرار گرفت، به صف مخالفان جنگ پیوست و در به راه انداختن تظاهرات میلیونی علیه جنگ ویتنام نقش مؤثری ایفا نمود. این قهرمان معروف جنگ ویتنام «جان کری» است که بعد از پیروزی در مبارزه‌ای که به تخلیه نیروهای آمریکائی از ویتنام انجامید، چهار دوره متوالی به عنوان سناتور ایالت ماساچوست آمریکا برگزیده شده و در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ آمریکا رقیب اصلی جرج بوش برای احراز مقام ریاست جمهوری آمریکا به شمار می‌آید. گفتنی است که یکی از حربه‌های اصلی «جان کری» در مبارزات انتخاباتی، افتخارات نظامی او در جنگ ویتنام و سپس رهبری مبارزه علیه ادامه این جنگ است و بزرگترین نقطه ضعف بوش پدرش هم این است که در جریان جنگ ویتنام با اعمال نفوذ پدرش از خدمت فرار کرده و به جای رفتن به ویتنام در یک گارد محلی در تکزاس خدمت می‌کرده که از خدمت در این سازمان شبه نظامی هم طفره می‌رفته و غالباً به دلایل غیرموجه غایب بوده است.

جنگ‌های ویتنام که در دو مرحله قریب بیست سال به طول انجامید و یکی از طولانی‌ترین و پرتلفات‌ترین جنگهای تاریخ به شمار می‌آید، بیشترین قربانی را از خبرنگاران و عکاسان خبری گرفت و همان‌طور که اشاره شد فیلمها و عکسهای خبری که از این جنگ در جهان پخش و منتشر شد از مهمترین



از معروفترین عکسهای مربوط به جنگ ویتنام که لحظه‌ای قبل از کشته شدن یک چریک کمونیست به دست یک سرباز آمریکائی برداشته شده است. عکاس «لاری بوروس» انگلیسی در جنگهای ویتنام کشته شد.

نظامی آمریکا در تاریخ حیات خود تن داد. از معروفترین عکاسان خبری که در جنگ ویتنام جان باختند باید به خصوص از دو تن «روبرت کاپا»^۱ و «لاری بوروس»^۲ نام برد. روبرت کاپا یک عکاس مجارستانی الاصل مقیم انگلستان بود، که قریب بیست سال از عمر چهل ساله خود را در کار عکاسی و خبرنگاری سپری کرد و در خطرناکترین صحنه‌های جنگی حضور فعال داشت. روبرت کاپا کار خبرنگاری جنگی را از جنگهای داخلی اسپانیا در سالهای دهه ۱۹۳۰ آغاز کرد و در جریان این جنگ با «ارنست همینگوی»^۳ نویسنده معروف آمریکائی که در آن

زمان خبرنگار مطبوعات آمریکا بود آشنا شد و آشنائی آنها به دوستی عمیقی بین آن دو مبدل شد که تا پایان عمر کاپا دوام یافت. روبرت کاپا پس از جنگهای داخلی اسپانیا، از صحنه‌های جنگ دوم جهانی در اروپا، جنگ چین و ژاپن و جنگهای داخلی چین، نخستین جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و سرانجام جنگهای ویتنام هزاران عکس تهیه کرد که بسیاری از آنها از شاهکارهای هنر عکاسی به شمار می‌آید. روبرت کاپا که گزیده عکسهای او در چندین مجموعه چاپ شده است قبل از کشته شدنش در جنگهای ویتنام در سال ۱۹۵۴ به نوشتن خاطرات جنگی خود مبادرت نمود که نسخه ناتمام آن پس از مرگش انتشار یافت.

پس از روبرت کاپا عکاسی که بیش از همه در افکار عمومی اثر گذاشته و چاپ عکسهایش از صحنه‌های تکان‌دهنده جنگ ویتنام در مجلات معتبر جهان مانند «لایف» مردم آمریکا را علیه مداخله آمریکا در این جنگ شوراند، «لاری بوروس» عکاس انگلیسی است. لاری پس از چهار سال حضور فعال در صحنه‌های جنگ ویتنام، در فوریه سال ۱۹۷۱ بر اثر سقوط یک



روبرت کاپا معروفترین عکاس خبری جهان که در جریان جنگهای ویتنام کشته شد.

هلی کوپتر نظامی همراه دو خبرنگار و عکاس آمریکائی درگذشت. در سالهای پایانی جنگ ویتنام اختراع عکس رنگی تحول بزرگی در صنعت عکاسی به وجود آورد و به تدریج عکسهای رنگی جایگزین عکسهای سیاه و سفید در مطبوعات جهان شد، به طوری که امروزه بسیاری از مجلات معتبر و پرتیراژ جهان منحصرأ با عکس رنگی منتشر می شوند و از عکسهای سیاه و سفید فقط در مباحث تاریخی و مواردی که به گذشته مربوط می شود استفاده می شود.

صنعت عکاسی نیز بعد از قریب چهل سال که از اختراع عکس رنگی می گذرد پیشرفتهای فوق العاده ای کرده و امروز با دوربین های دیجیتال نیازی به فیلم عکاسی نیز وجود ندارد و عکاس پس از عکسبرداری می تواند عکس را در روی صفحه کوچک دوربین خود ببیند و اگر آن را نپسندید حذف کند. دوربین های یک بار مصرف ساده ای هم به بازار آمده که هر کودکی هم می تواند با فشار دادن یک دکمه عکس بگیرد و با کمی دقت و تجربه حتی یک کودک زیر ده سال هم می تواند عکس های رنگی و بدون عیب و نقصی از طبیعت یا اشخاص و سوژه های اطراف خود تهیه نماید. به همین جهت این سؤال مطرح شده است که آیا عکس رنگی که کار رنگ آمیزی آن به وسیله دوربین انجام می شود و با تکنیک پیشرفته دقت زیادی هم از نظر تنظیم نور و غیره برای آن ضروری نیست ارزش هنری هم دارد یا صرفاً محصول پیشرفت تکنولوژی است؟ به اعتقاد اکثریت عکاسان نام آور جهان، پیشرفت تکنولوژی و رواج عکاسی رنگی، به هیچ وجه از ارزش عکسهای سیاه و سفید نکاسته و معروفترین عکاسان جهان در دو دهه آخر قرن

بیستم و آغاز قرن بیست و یکم، عکس سیاه و سفید را بر عکس رنگی ترجیح می دهند و بسیاری از آنها برای عکس رنگی ارزش هنری قائل نیستند.

یکی از معروفترین عکاسان جهان که آثار او بخصوص در زمینه پرتره شهرت جهانی دارد «یوسف کارش»^۱ است که در گزیده عکسهای او که در سال ۲۰۰۰ منتشر شد حتی یک عکس رنگی هم دیده نمی شود. یوسف کارش در سال ۱۹۰۸ در ارمنستان



یوسف کارش معروفترین عکاس پرتره جهان



هنری کارتیه برسون فرانسوی
از معروفترین عکاسان خبری
جهان که بعضی از عکس های
بخش رویدادهای این کتاب کار
اوست. وی در سال
۲۰۰۴ درگذشت

شده است» به‌دینار او با هنرپیشگان معروف عالم سینما اختصاص دارد. پرتره‌های بی‌نظیری از مشهورترین هنرپیشگان عالم سینما در گزیده آثار یوسف کارش دیده می‌شود که متأسفانه استفاده از بعضی از آنها با توجه به ضوابط چاپ عکس، در این کتاب مقدور نبوده است.

☆☆☆

هنر عکاسی اندکی پس از اختراع آن، در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه وارد ایران شده و ظاهراً خود ناصرالدین شاه اولین عکاس ایرانی بوده که آثاری از او برجای مانده است.

درباره سرآغاز عکاسی در ایران، یک بانوی محقق آمریکائی به نام «دانا استاین»^۱ شرح مفصلی نوشته است، که ترجمه فارسی آن نیز با عنوان «سرآغاز عکاسی در ایران» در سال ۱۳۶۸ به ترجمه آقای ابراهیم هاشمی منتشر شده است. خانم دانا استاین که چند سال در ایران زندگی کرده است پس از مقدمه‌ای درباره ایران در دوران قاجار نخست به کتابی که قبل از انقلاب درباره سرآغاز عکاسی در ایران منتشر شده است اشاره کرده و می‌نویسد:

«در سال ۱۹۷۸ خانم بدری آقابای کتابدار کتابخانه سلطنتی در کاخ گلستان، گزیده‌ای از عکسهای موجود در آلبومهای کتابخانه را تهیه کرد. آلبومهای مزبور حاوی نسخه‌های اصلی حدود بیست هزار عکس است که ناصرالدین شاه گردآوری کرده و شامل تصاویری از خانواده‌های سلطنتی اروپا، زنان حرمسرای سلطنتی (اغلب در حالت‌های گستاخ و بی‌پرده)، ره‌آوردهای دیدار شاه از شهرهای مختلف ایران، پرتره‌هایی از شخصیت‌های طراز اول کشور، تصاویر شاه و ملترانش در مراسم شکار و نیز پورنوگرافیهای اروپایی است. مجموعه منتخب

به دنیا آمد و در جریان کشتار فجیع ارمنه در ترکیه همراه خانواده‌اش به سوریه و لبنان گریخت و سپس به آمریکا و سرانجام کانادا مهاجرت کرد. یوسف کارش کار عکاسی را در شانزده سالگی نزد دائیش در کانادا آغاز کرد و در سال ۱۹۳۳ استودیوی عکاسی خود را در «اتاوا» پایتخت کانادا گشود و در مدت کمتر از پنج سال چنان شهرتی یافت که فرماندار کل کانادا از وی دعوت کرد یک عکس رسمی از او و همسرش بردارد و بعد از آن نیز در تمام مراسم و تشریفات که از طرف فرماندار کل کانادا برپا می‌شد تنها از وی برای عکسبرداری دعوت به عمل می‌آمد. اما اولین عکس یوسف کارش که موجب شهرت جهانی وی شد پرتره چرچیل نخست‌وزیر معروف انگلیس بود که در سال ۱۹۴۱ برداشته شده است. در سال ۱۹۴۳ درباره انگلیس از یوسف کارش دعوت کرد که عکس‌هایی از اعضای خاندان سلطنتی انگلیس بردارد که معروفترین آنها پرتره جرج ششم پادشاه انگلستان است.

در گزیده عکسهای یوسف کارش، که بیش از بیست مورد آن در این کتاب مورد استفاده قرار گرفته است، پرتره‌های بی‌نظیری از رهبران سیاسی و شخصیت‌های علمی و هنری جهان دیده می‌شود. گفتنی است که یوسف کارش برای تهیه‌ی بعضی از این پرتره‌ها مانند اعضای خاندان سلطنتی انگلیس و رهبران آلمان و همچنین گورباچف رهبر شوروی و فیدل کاسترو رهبر کوبا رسماً به کشور میزبان دعوت شده و مورد استقبال و پذیرایی گرمی قرار گرفته است. یوسف کارش در سالهای پایانی عمر به نگارش خاطراتش از دیدار با رهبران سیاسی و شخصیت‌های علمی و چهره‌های هنری جهان پرداخت. بخشی از این خاطرات که پیش از انتشار متن اصلی کتاب در مطبوعات کانادا منتشر

آتابای از عکسهایی که شاه و درباریان وی گرفته و یا جمع‌آوری کرده‌اند با مقدمه کوتاه تاریخی و نیز یادداشتهای شخصی ناصرالدین شاه، که مؤلف آنها را برای تعیین موضوع و مشخصات عکسها، مأخذ کار خود قرار داده منتشر شده است. در کتاب مزبور، همچنین فهرستی از آلبومهای عکس شامل شماره کتاب، اندازه آلبوم، تعداد عکسها، شرح روی جلد آلبوم، تاریخ (در صورتی که قید شده باشد) و مشخصات هر عکس دیده می‌شود. از این کتاب که تماماً به فارسی است و از نظم و ترتیب لازم نیز برخوردار نیست تنها نسخه‌های معدودی منتشر شده، با این همه، بررسی مختصر آتابای و مقاله بسیار محققانه و جالب توجه «آنجلوپی‌یه‌مونته»^۱ به نام «آلبوم عکس هیئت سیاسی ایتالیا در ایران (تابستان ۱۸۶۲)» بهترین منابع موجود برای تحقیق در دوران نخستین پیدایش عکاسی در ایران است. عکاسان را در ایران آن روزگار به سه گروه عمده می‌توان تقسیم کرد: نخست عکاسانی که به سنت کاوشهای علمی و جغرافیایی اروپا تعلق داشتند، زمینه کار این گروه، تحقیق درباره تفاوت‌های فرهنگی و طبیعی اقوام مختلف بود. دوم، عکاسان بومی که کشفیات جدید فنی را برای سرگرمی و بدون هدف معینی تجربه می‌کردند و سوم، عکاسان حرفه‌ای که در فکر به‌چنگ آوردن درآمدی از راه فروش عکس بودند. اولین دست‌اندرکاران عکاسی در ایران، اروپاییانی از فرانسه، اتریش و ایتالیا بودند که در دارالفنون، مدرسه فنی معروف تهران، تدریس می‌کردند. دارالفنون را ناصرالدین شاه در ۱۸۵۰ برای تربیت افسران، مهندسان نظامی و غیرنظامی، پزشکان و مترجمان تأسیس کرد. عکاسی نیز پس از ۱۸۶۰ در برنامه‌های درسی دارالفنون گنجانده شد.

احتمالاً نخستین خارجی‌ای که در ایران عکس را با روش چاپ نقره‌ای چاپ کرد ژول ریشار^۲ فرانسوی بود که در حدود سالهای ۱۸۴۴-۱۸۴۶ به ایران آمد و در دارالفنون به تدریس زبان فرانسه پرداخت و پس از آنکه اسلام آورد، نام میرزا رضاخان را برای خود انتخاب کرد و دیگری «کرشیش» اتریشی، معلم توپخانه دارالفنون بود.

لوئیچی پشه^۳ سرهنگی از اهالی ناپل که خود عکاسی پرشور و شوق بود در ۱۸۴۸ به ایران مهاجرت کرد تا فرماندهی کل قوای پیاده‌نظام ایران را به عهده گیرد. وی در مارس ۱۸۶۱ در نامه‌ای به کنت کاوور نخست‌وزیر ایتالیا ضمن درخواست بازگشت به ایتالیا خاطرنشان کرد که «آلبومی از جالبترین آثار تاریخی ایران که تاکنون کسی از آنها عکس نگرفته و نگارنده اولین کسی بوده که فکر آن به خاطرش خطور کرده» تهیه نموده است. در ژانویه همان سال، «پشه» نسخه دیگری از آلبوم را برای ویلیام اول پادشاه پروس فرستاد.

محدودیت‌های فنی عکسبرداری، در بدو پیدایش عکاسی، باعث رونق عکسبرداری از ابنیه و عمارات شد. در میان آن دسته از عکسهای موجود در آلبوم ایتالیایی که امضاء «پشه» را بر خود دارند، دو منظره از دروازه‌های شهر، دورنمایی از پشت‌بامهای تهران هنگام نماز ظهر، تصویری از سردر بلند یکی از کاخهای سلطنتی و تصویری نیز از مقبره خان‌خیوه دیده می‌شود. «پشه» همچنین از کاخ گلستان اقامتگاه اصلی شاه در تهران و تخت معروف خورشید یا تخت طاووس نیز عکس گرفته است. افزون بر این، شانزده قطعه عکس از «پشه» در دست است که آثار باستانی مشهوری را چون ویرانه‌های تخت جمشید و نقش رستم در نزدیکی شیراز در جنوب غربی ایران و طاق بستان در



نزدیکی کرمانشاه در مرکز سرحدات غربی ایران با حال و هوایی شاعرانه نشان می‌دهد.

قدیمیترین عکسهای آلبوم، تصاویری است با روش سالت پرینت از مناظر تهران و یک پرتره از

ناصرالدین شاه در حالت رسمی که احتمالاً بین سالهای ۱۸۵۲ تا ۵۵ گرفته شده است. این عکس که مربوط به سالهای جوانی شاه است، با وجود ناشناس بودن عکاس، شایان توجه خاص است زیرا لباس شاه آمیخته‌ای از عناصر غربی و ایرانی است. شاه کت ترمه سنتی (دستباف کرمان) با آستر خز روسی به تن دارد، یک شمشیر خمیده ایرانی در دست و کلاهی بر سر دارد که معرف اوایل سلسله قاجار است و با بته‌جقه، نشان مخصوص سلطنتی تزئین شده است. به نظر می‌رسد طرح لباس وی تقلیدی از لباسهای نظامی اروپایی است. شاه به یک صندلی ظریف خارجی تکیه داده و نگاهش مستقیماً به دوربین است، حال آنکه در پرتره‌های دیگر نگاهش به جانب دیگری است. در میان زیباترین عکسهای موجود در آلبوم (که عکاس آن هنوز شناخته نشده) منظره‌ای دیده می‌شود از قصر قاجار، اقامتگاه تابستانی شاه در شمال تهران که آغامحمدخان و فتحعلی شاه آن را در پایان قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم بنا نهاده‌اند.

«آنجلو پی یه مونتره» نخستین مجموعه عکس مربوط به زندگی در دوران قاجار را که تاکنون به دست آمده به طور کامل بررسی و تحلیل کرده است. مجموعه مزبور را «لوییجی مونتابونه»^۱ عکاس مشهوری از اهالی تورینو به دستکاری یک ونیزی به نام

«پیترو بون» تهیه کرده است؛ هر دو نفر از اعضای هیئت سیاسی ایتالیا در ایران در تابستان ۱۸۶۲ بوده‌اند. مجموعه مزبور شامل شصت و دو قطعه عکس است که

در سه آلبوم و در بخشهای نسبتاً متفاوت گردآوری شده است. عکسهای مونتابونه عضو هیئت ایتالیایی در ایران، سند تاریخی مسحورکننده‌ای است؛ وی عکسهایی از مناظر شهرها، ابنیه تاریخی و کاخها به دست داده است که گرچه در این عکسها زنان دیده نمی‌شوند، اما مردان طبقات مختلف اجتماع: پادشاهان، شاهزادگان، مشاوران آنان، صاحب‌منصبان، حکمرانان ایلات، درباریان، خواجگان حرمسرا و حتی مردم عادی نیز در آنها دیده می‌شوند. در اغلب عکسها، اشیاء نمادهایی از شأن و موقعیت موضوع هستند و سلسله مراتب اجتماعی یک گروه با چگونگی قرار گرفتن آدمها در چهارچوب عکس نشان داده شده است. فیلیپو دو فیلیپی^۲، وقایع نگار ایتالیایی و عضو هیئت ۱۸۶۲ درباره اشتیاق ناصرالدین شاه به عکاسی چنین می‌نویسد: «وقتی نوبت به آقای مونتابونه رسید (که به حضور شاه برسد)، شاه که شنیده بود ایشان عکاس چیره‌دست هستند، اظهار اشتیاق کرد که مونتابونه کارهای خود را به وی نشان دهد و عکسی نیز از وی بگیرد».

آتابای، ناصرالدین شاه را نخستین عکاس ایرانی می‌داند. با این همه، با توجه به قدیمی‌ترین عکسهای موجود در آلبوم ایشان (برای نمونه پرتره‌ای که ناصرالدین شاه در ۱۸۶۵.۶۶ از خود گرفته است) به احتمال بسیار می‌توان گفت که در آن



ناصرالدین شاه اولین عکاس ایرانی است و این عکس مادرش «مهد علیا» از اولین کارهای عکاسی اوست.

زمان درباریان خود عکاسان چیره‌دستی بوده‌اند. بی‌شک می‌دانیم که آقازاده‌ای از پیشخدمتان مخصوص شاه، فن عکاسی را در دارالفنون فراگرفته و در ۱۸۶۳ به مقام نخستین عکاسباشی منصوب شده بود.

بدیهی است تمایل واقعی شاه به ترویج عکاسی در ایران الهامبخش درباریان در روی آوردن به این هنر بوده است: تعدادی از محصلان مستعد دارالفنون برای کسب مهارت‌های فنی و اطلاعات هنری به اروپا اعزام شدند، دوربین‌های عکاسی در دسترس درباریان خاص، که با فن عکاسی آشنا بوده و در گردشهای داخل و خارج کشور همراه شاه بودند، قرار می‌گرفت و بسیاری از آنان نیز مفتخر به عناوین مخصوص از قبیل «عکاسباشی» یا «عکاس حرفه‌ای» می‌شدند.

قدیمی‌ترین عکسهای ناصرالدین شاه عبارت است از پرتره‌ای که وی از خود در ۱۸۵۵.۵۶ گرفته و پرتره‌ای تمام رخ از مادرش. گوشه‌های هر دو عکس به دلیل آویزهای فیلم آن زمان قطع شده است. شاه پرتره خود را با لباسی که آمیزه‌ای از لباسهای اروپایی و ایرانی است گرفته و به خط خود زیر عکس چنین نوشته «عشر اول رمضان ۱۲۸۴ انداخته شد در طهران خودم انداخته‌ام».

پرتره دیگر، مادر وی را نشان می‌دهد که با دستهای حلقه شده روی صندلی مجلی نشسته و در عین سادگی و متانت جامه‌ای پر زرق و برق به تن دارد که بافت ظریف و حالت دقیق قرار گرفتن آن جلوه‌ای چشمگیر بدان بخشیده است. این عکس احتمالاً پس از اولین سفر شاه به اروپا در ۱۸۷۳ گرفته شده است. آخرین عکس که به‌طور قطع خود ناصرالدین شاه آن را گرفته دو زن را نشان می‌دهد که از میان دو لنگه در

به‌دوربین می‌نگرند. دستخط خود شاه در زیر عکس حاکی از آن است که این دو خواهر از زنان صیغه‌ای محبوب شاه در سالهای آخر عمر وی بوده‌اند. در زیر عکس تنها به ذکر روز و ماه (هشتم شعبان) اکتفا شده و بنابراین تعیین هویت قطعی این دو زن و تاریخ عکسبرداری به سادگی امکان‌پذیر نیست. عکسهای دیگر مجموعه سلطنتی، کار عکاسان بومی مختلفی است که اغلب ناشناخته مانده‌اند. در این عکسها رویدادها اغلب به صورت «فوری» و بدون صحنه‌سازی به تصویر کشیده شده‌اند. فرهنگ و بینش این عکاسان و تصاویری که از گروه‌های مختلف انسانی و مناطق جغرافیایی مختلف تهیه کرده‌اند حاکی از دنباله‌روی و تقلید آنان از کارهای اروپاییان جهانگردی است که در حین سیاحت عکاسی نیز می‌کرده‌اند. در حالیکه زندگی در دربار امکانات فراوانی برای تصویربرداری داشت. معروف بود که مظفرالدین شاه نیز (که از ۱۸۹۶ تا ۱۹۰۶ سلطنت کرد) سخت شیفته عکاسی و خود عکاسی آماتور بوده. کرسن (Cresson) می‌نویسد که شاه در طول دو سفر خود به اروپا (۱۹۰۰ و ۱۹۰۲) «دلبستگی و علاقه‌ای به راستی شاهانه به دوربین... و عکاسی... نشان می‌داد. وی وسایلی را که ما با خود آورده بودیم با شادی تقریباً کودکانه‌ای آزمایش می‌کرد و خود طریقه گرفتن عکس فوری را به ملازمانش یاد می‌داد». ظاهراً اتفاقی در کاخ گلستان وجود داشته که در آن «عکسهای قاب گرفته را می‌آویختند». در «پرتره مظفرالدین شاه» که در اوایل سلطنت او گرفته شده است، از پس زمینه یا مانعی که از وقار شاهانه وی در تصویر بکاهد خبری نیست. در دوران سلطنت ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه لقب تازه‌ای هم به القاب درباری اضافه شد و آن «عکاسباشی» بود که از



مظفرالدین شاه عاشق عکاسی بود و این پرتره در اوایل سلطنت وی از او برداشته شده است

عکاسخانه‌ای هم در تهران دایر کرد. آلبوم عکسهای سوریوگین از زندگی مردم ایران در نمایشگاه بین‌المللی بروکسل در سال ۱۸۹۷ (اوایل سلطنت مظفرالدین شاه) به کسب مدال طلا نایل آمد. سوریوگین به‌دربار قاجار هم راه داشته و از ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و درباریان و مراسم و تشریفات درباری نیز عکسهای زیادی برداشته است.

☆☆☆

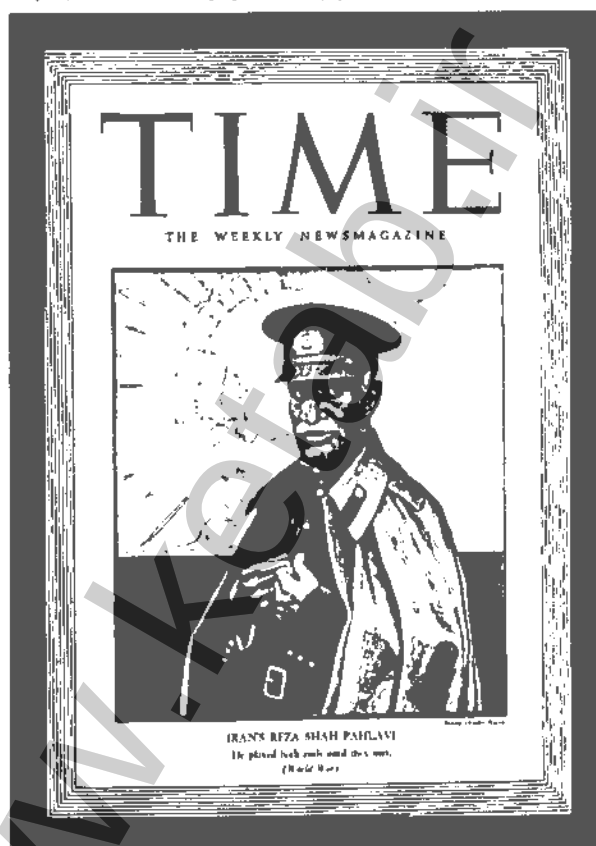
عکاسی در ایران در قرن بیستم، به‌موازات پیشرفت فن عکاسی در جهان پیشرفت کرده و عکس‌هایی که از وقایع اواخر قاجاریه و دوران سلطنت پهلویها در دست داریم، و عمدتاً کار عکاسان حرفه‌ای ایرانی است با کار عکاسان خارجی برابری می‌کند. عکاسان ایرانی در سطح جهانی نیز شهرت یافته‌اند که در صفحات بعد به آن اشاره خواهیم کرد.

وقایع ایران به‌خصوص پس از جنگ دوم جهانی توجه جهانبان را به‌خود جلب کرد و برای اولین بار در آستانه تهاجم نیروهای روس و انگلیس به ایران مجله تایم تصویر رضاشاه را بر روی جلد خود چاپ کرد. پس از پایان جنگ دوم جهانی بحران آذربایجان و خودداری نیروهای شوروی از تخلیه ایران و طرح شکایت ایران از شوروی در شورای امنیت سازمان ملل متحد که متفقین زمان جنگ را برای نخستین بار در برابر هم قرار داد، بار دیگر نام ایران را بر سر زبانها انداخت و تصاویر متعددی از ایران و شخصیت‌های ایرانی همراه گزارشهای خبری در مطبوعات جهان انتشار یافت. اما آنچه ایران را در نیمه قرن بیستم در مرکز توجه مطبوعات و محافل سیاسی جهان قرار داد ملی شدن نفت و پیامدهای آن بود که سیل خبرنگاران و عکاسان خارجی را به ایران سرازیر کرد و گزارش‌های مصور

آن جمله می‌توان به آقا رضا پیشخدمت مخصوص ناصرالدین شاه که بعدها لقب اقبال السلطنه گرفت و حسنعلی عکاسباشی و میرزا احمد عکاسباشی و میرزا ابراهیم خان اشاره کرد. در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه اداره‌ای هم به نام اداره عکاسخانه مبارکه تأسیس شد که معتمدالسلطان امین حضرت به‌ریاست آن منصوب گردید. ناصرالدین شاه یکی از شاهزادگان قاجار به نام عبدالله میرزا را نیز برای فرا گرفتن فنون جدید عکاسی به اروپا فرستاد و عبدالله میرزا پس از بازگشت به ایران عکس‌های متعددی از مناظر و بناهای تاریخی و اقوام مختلف ایرانی تهیه کرد که مرحوم یحیی ذکا در کتاب خود زیر عنوان «تاریخ عکاسی در ایران» به تفصیل به آن اشاره کرده و عکس‌های باقیمانده از عبدالله میرزا را که در چند آلبوم گردآوری شده است از با ارزش‌ترین آثار مربوط به دوران قاجار به‌شمار می‌آورد. از عکس‌هایی که از دوران قاجار برجای مانده آثار باقیمانده از دو عکاس خارجی، «ارنست هولتسر»^۱ آلمانی و «آنتوان سوریوگین»^۲ روسی بیش از همه ارزشمند و قابل توجه است. ارنست هولستر یک مهندس جوان آلمانی بود که بیش از بیست سال از دوران سلطنت ناصرالدین شاه در ایران فعالیت می‌کرد، در ایران با یک دختر ارمنی ازدواج کرد و تا پایان عمرش در سال ۱۹۱۱ نیز در جلفای اصفهان زندگی می‌کرد. هولستر ضمن کار در اداره تلگراف در سفر به نقاط مختلف ایرانی، از بناها و مناظر شهرها و روستاها و زندگی مردم ایران عکسهای بسیاری برداشته که بیش از هزار عدد نگاتیو شیشه‌ای از آنها برجای مانده است.

آنتوان سوریوگین روسی نیز از پرکارترین عکاسان حرفه‌ای است که در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه به ایران آمد و

تصویر رضاشاه بر روی جلد مجله تایم آمریکا



خبری که از اوضاع ایران و مردم آن در صفحات مطبوعات جهان منتشر شد سطح آگاهی جهانیان را از ایران و مردم آن بالا برد. دکتر محمد مصدق چه در دوران نخست‌وزیری و چه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرنگونی حکومتش که به زندانی شدن او و محاکمه‌اش انجامید خبرسازترین شخصیت ایرانی در سطح جهان بود. تصاویر او چه در کشمکش‌های

داخلی و چه در مجامع بین‌المللی مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد و دادگاه لاهه مرتباً در صفحات روزنامه‌ها و مجلات معتبر جهان چاپ می‌شد و برای نخستین بار مجله تایم تصویر او را بر روی جلد شماره مورخ ۷ ژانویه سال ۱۹۵۲ خود به عنوان مرد سال ۱۹۵۱ چاپ کرد. در همین شماره مجله تایم برای نخستین بار عکسی از مصدق و نوه‌اش معصومه (که چند سال قبل در تهران به قتل رسید) چاپ شده و تایم در گزارشی به مناسبت انتخاب مصدق به عنوان مرد سال ۱۹۵۱ می‌نویسد که نامزدهای دیگر این عنوان ترومن رئیس جمهوری وقت آمریکا و چرچیل نخست‌وزیر انگلیس بودند که تایم دکتر مصدق را به عنوان خبرسازترین مرد سال ۱۹۵۱ بر آنها ترجیح داده بود. یکی از بحث‌انگیزترین عکس‌های دکتر مصدق که در زمان نخست‌وزیری او در مطبوعات جهان منتشر شد، عکسی از وی

در حال تعظیم و ادای احترام نسبت به ملکه وقت ایران ثریا است. این عکس بعد از انقلاب به منظور تحقیر مصدق مورد بهره‌برداری قرار گرفت. ولی طرفداران دکتر مصدق در عین حال که اصالت این عکس را انکار نمی‌کنند، در دفاع از وی چنین استدلال می‌کنند که این رفتار مصدق نشانه‌ای از «جنتلمنی» و آداب‌دانی او و ادای احترام نسبت به زنی است که در آن تاریخ شهبانوی ایران به شمار می‌آمد. دکتر مصدق در دوران

نخست‌وزیری خود تاج‌الملوک مادر شاه و اشرف خواهر او را به علت دخالت در امور سیاسی و تحریک علیه دولت از کشور اخراج کرد، ولی همیشه نسبت به ملکه ثریا احترام خاصی قائل بود و ثریا هم در خاطرات خود از وی با احترام به عنوان «شیر پیر» یاد می‌کند.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و استبداد حاکم بر ایران به مدت ۲۵ سال، سانسور خبری شدیدی بر مطبوعات برقرار شد که بالطبع شامل عکس‌های خبری هم می‌شد. جریان محاکمه دکتر مصدق، به علت حضور خبرنگاران خارجی و انعکاس آن در مطبوعات جهان کمتر مورد سانسور قرار می‌گرفت و جریان این محاکمه و عکس‌های مربوط به آن تقریباً به طور کامل در مطبوعات منتشر شد. ولی پس از صدور حکم محکومیت دکتر مصدق به سه سال زندان و تبعید وی به قریه احمدآباد پس از

تصویر دکتر مصدق بر روی جلد مجله تایم



پایان مدت زندان، هرگونه تماس با او و چاپ عکس یا خبری از او در مطبوعات ممنوع شد و خبرنگار عکاسی به نام «عزیزالله رشکی» که جرأت کرده بود از حصار مأموران امنیتی گذشته و در احمدآباد عکس‌هایی از دکتر مصدق بردارد، در بازگشت دستگیر و مضروب و زندانی شد و دوربین عکاسی و فیلمهای او هم مصادره گردید. عکس‌های معدودی از دکتر مصدق در

دوران تبعید نیز که پس از انقلاب منتشر شده عکس‌هایی است که اعضای خانواده او برداشته‌اند و در رژیم گذشته حق چاپ و انتشار آن را نداشتند.

بعضی از عکسهای خبری نیز که در این کتاب نمونه‌هایی از آن را ملاحظه می‌کنید در رژیم گذشته سانسور شده بود، که از آن جمله می‌توان به عکس مربوط به سخنرانی آیت‌الله خمینی در قم در سال ۱۳۴۲ اشاره نمود. این عکس را نویسنده این کتاب در دوران سردبیری مجله خواندنیها ضمن گزارش وقایع ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ چاپ کرده بودم که مأمور معروف سانسور آن زمان محرم‌علی خان از انتشار آن جلوگیری به عمل آورد و صفحات چاپ شده را جمع‌آوری و به سازمان امنیت برد. در رژیم گذشته بعضی از عکسهای مربوط به دربار و اعضای خاندان سلطنتی هم مورد سانسور قرار می‌گرفت. از آن جمله

می‌توان به عکس شاه و فرح در حال موتورسواری و عکس از شاه ضمن بازی والیبال که روی زمین افتاده یا عکس رضاشاه در دوران تبعید در آفریقای جنوبی اشاره نمود. در مقاله‌ای دربارهٔ عبدالحسین هژیر نخست‌وزیر و وزیر دربار اوایل سلطنت محمدرضا شاه، عکس از او در حالی که اشرف پهلوی در اتومبیل نخست‌وزیری در کنار او نشسته است چاپ کرده بودم که به سرنوشت سایر عکسهای

سانسور شده دچار شد و از انتشار آن جلوگیری به عمل آمد. اصل مقاله نیز که در آن به روابط اشرف و هژیر اشاراتی شده بود مورد سانسور قرار گرفت.

بسیاری از عکسهای مربوط به شاه و خاندان سلطنتی نیز که در مطبوعات خارجی چاپ و منتشر می‌شد، در مطبوعات داخلی ممنوع‌الانتشار بود. بسیاری از این عکسها با ضوابط کنونی چاپ عکس نیز قابل چاپ به نظر نمی‌رسد.

☆☆☆

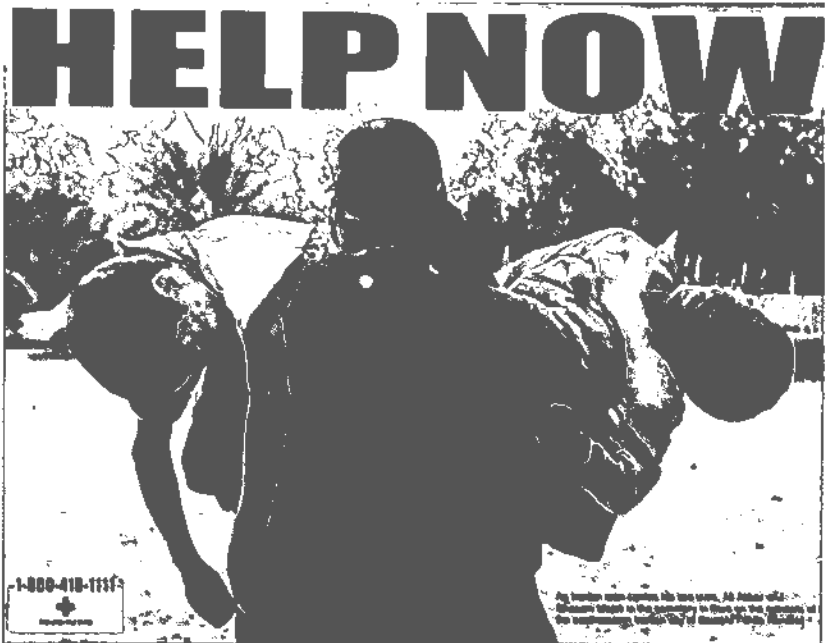
در سی سال اخیر، عکاسان ایرانی نیز در سطح جهانی شهرت یافته‌اند و آثار بعضی از آنها در مجموعه‌هایی از بهترین عکسهای خبری جهان انتشار یافته است. از معروفترین عکاسان ایرانی که آثار او را در بسیاری از این مجموعه‌ها می‌توان یافت عباس عطار است که آثار او با نام کوچکش «عباس» در مجموعه

کاوه گلستان عکاس
معروف خبری که در
جریان جنگ اخیر عراق
(فروردین ۱۳۸۲)
کشته شد.



بهترین عکسهای جهان و مجلات معتبری مانند لایف و تایم چاپ شده است. از عکسهای معروف عباس عکسی است که دو سال قبل از انقلاب در اوج قدرت شاه از او برداشته و به خوبی نمایانگر غرور و خودبزرگ بینی او در سالهای پایانی سلطنت تا یکی دو سال قبل از انقلاب و سرنگونی رژیم است. در آلبومی به نام «قهرمانان و ضد قهرمانان» که در سال ۱۹۹۱ از طرف شرکت معتبر «راندوم» نیویورک منتشر شده این عکس شاه با عکسی از آیت الله خمینی پس از بازگشت به ایران، که آن هم اثر عباس عکاس ایرانی است، چاپ شده و عنوان کتاب خاطرات «آنتونی پارسونز» آخرین سفیر انگلیس در ایران در رژیم گذشته (غرور و سقوط) را تداعی می کند. در همین کتاب عکسهای

عکس تکان دهنده ای از قربانیان زلزله اخیر یم که برنده جایزه بهترین عکس خبری جهان در سال ۲۰۰۳ شد. این عکس که در پوستر صلیب سرخ کانادا به منظور جمع آوری کمک برای زلزله زدگان یم چاپ شده است، کار «عطا کناره» عکاس ایرانی است.



1-800-410-1111
Red Cross

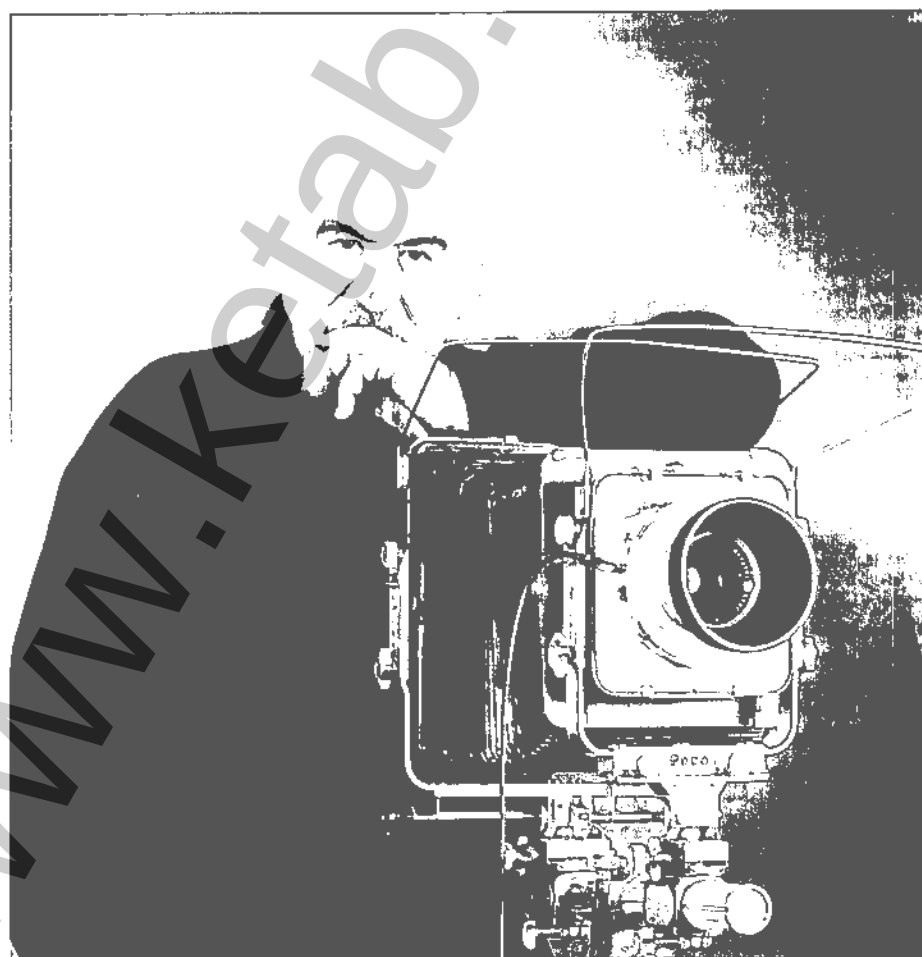
Any donation will help the victims of the earthquake. Please donate to the campaign to help the victims of the earthquake. Please help the victims of the earthquake.

فخرالدین فخرالدینی
معروفترین عکاس
پرتره در ایران

چند جایزه معتبر بین‌المللی از جمله جایزه «پولیتزر» نائل شده بود، در جریان جنگ اخیر عراق (فروردین ۱۳۸۲) با گروه خبری رادیو تلویزیون «بی‌بی‌سی» به عراق رفت و بر اثر انفجار مین کشته شد. کاوه گلستان مانند روبرت کاپا معروفترین عکاس خبری جهان، برای تهیه عکس از صحنه‌های جنگی خطر می‌کرد و مانند او به جمع خبرنگاران و عکاسانی که در صحنه جنگ جان باختند پیوست. کاوه گلستان هنگام مرگ ۵۳ سال داشت.

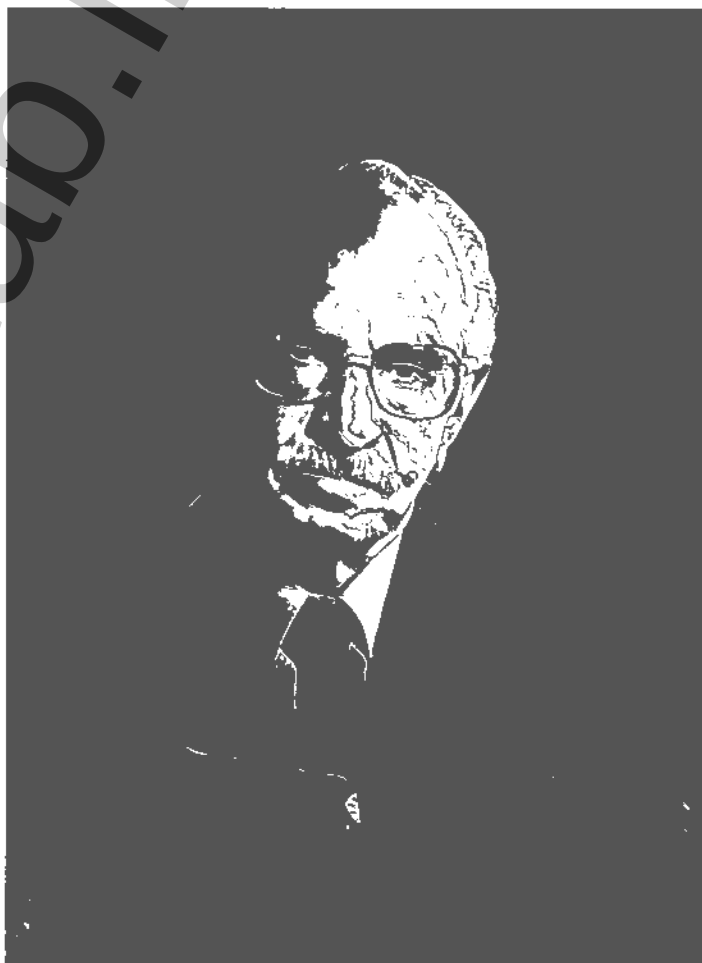
از عکاسان معروف دیگر ایرانی باید از رضا دقتی نام برد که عکسهای او در بسیاری از روزنامه‌ها و مجلات جهان چاپ شده و اخیراً نیز نمایشگاهی از عکسهای او در اروپا برگزار شد. عکاس دیگر ایرانی که اخیراً شهرت یافته «عطا کناره» است که یکی از عکسهای او از زلزله اخیر بم، بهترین عکس خبری سال ۲۰۰۳ شناخته شد. این عکس تکان‌دهنده یک مرد بمی را در حال حمل جنازه دو پسر خود که از زیر آوار بیرون کشیده است، نشان می‌دهد.

معروفترین عکاس پرتره در ایران، که نقاش هنرمندی نیز هست، فخرالدین فخرالدینی است. که از عنفوان جوانی قریب



جالب دیگری از عباس، از جمله تصاویر «ایدی امین» رهبر نیمه دیوانه اوگاندا، بوکاسا «امپراتور» آفریقای مرکزی، ضیاءالحق رهبر نظامی پاکستان، قزافی رهبر لیبی، حافظ اسد رئیس جمهور سابق سوریه و یاسر عرفات نیز چاپ شده است. از عکاسان ایرانی که عکسهای او در جریان انقلاب ایران و وقایع بعد از آن در مطبوعات جهان منتشر شده است باید از کاوه گلستان نام برد. کاوه گلستان که کارهای او به دریافت

پرتره مؤلف این کتاب
(محمود طلوعی) از
تازه‌ترین کارهای استاد
فخرالدین فخرالدینی است.



فخرالدین صدها پرتره از رجال و شخصیت‌های علمی و ادبی و هنری در استودیوی عکاسی خود تهیه کرده که گزیده‌ای از آنها را در مجموعه‌ای نفیس به چاپ سپرده است و احتمالاً همزمان با انتشار این کتاب به بازار خواهد آمد. چند نمونه از این

پرتره‌ها با اجازه این عکاس هنرمند در این کتاب چاپ شده است که بدین وسیله سپاس خود را از لطف ایشان ابراز می‌داریم.

در خاتمه تذکر این نکته را نیز ضروری می‌دانیم که با تمام کوششی که برای انتخاب عکس‌هائی با بهترین کیفیت برای چاپ در این مجموعه به عمل آمده است، اصل بسیاری از این عکس‌ها در اختیار ما نبوده و در مورد بعضی عکسها، به خصوص در بخش مربوط به پرتره شخصیت‌های تاریخی گذشته و عکسهای خبری مربوط به قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به ناچار از نسخه منحصراً به فرد آن استفاده شده است. این مجموعه در دو بخش عکسهای تاریخی جهان و ایران به حضور خوانندگان تقدیم می‌شود. بخش مربوط به عکسهای تاریخی جهان که مفصل‌تر است به شش قسمت: تاریخ‌سازان، رویدادهای تاریخی، پیشگامان علم، چهره‌های ادبی و هنری، چهره‌های استثنائی و عکسهای گوناگون تقسیم شده و در هر قسمت ترتیب تاریخی عکسها نیز منظور گردیده است. بخش مربوط به عکسهای ایران نیز با یکی از قدیمی‌ترین عکسهای ناصرالدین شاه که یک عکاس ایتالیائی برداشته است، آغاز می‌شود و به ترتیب وقوع حوادث تاریخی تا انقلاب ایران و پیامدهای آن ادامه می‌یابد. پایان بخش مربوط به ایران را نیز به تصاویری از چهره‌های ادبی و هنری ایران اختصاص داده‌ایم که البته شامل همه آنها نمی‌شود و به عکس‌هائی که در اختیار داشته‌ایم بسنده کرده‌ایم.

محمود طلوعی
بهمن ۱۳۸۲